



عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عراق در ارتباط با اشغال کویت

□ نوشته: دکتر اصغر جعفری ولدانی / نیلوفر حق شناس کاشانی

تأثیر عوامل مذکور بر سیاست خارجی عراق می باشد.

موقعیت جغرافیایی

سیاست خارجی عراق نسبت به کویت بیش از هر چیز متأثر از موقعیت جغرافیایی این کشور است. برخی از جغرافیدانان منجمله «مکیندر»^۱ و «هاشورف»^۲ معتقدند که موقع جغرافیایی یک کشور «تمام سیاست خارجی» آن را شکل می دهد. برخی از جغرافیدانان نیز مثل «آلفرد ماهان» معتقدند که دریا تأثیر مهمی بر سیاست خارجی کشورها دارد. «مورگانتا» در توضیح و تشریح موقعیت جغرافیایی، بیشتر به پایداری و دائمی بودن این عامل توجه دارد. وی می گوید: از پایداریترین عواملی که قدرت یک کشور بر آن مبتنی است، موقع جغرافیایی می باشد.^۳

در واقع موقع جغرافیایی یک کشور اثر مستقیمی بر قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی آن دارد. هرچه کشور سواحل زیادتری داشته باشد از امکانات بیشتری برای ایجاد بندر و پایگاه نظامی برخوردار است. از نظر اقتصادی، وجود بندر طبیعی در توسعه بازرگانی دریایی یک کشور نقش مهمی دارد و از نظر نظامی هم می تواند موجبات ایجاد تأسیسات نظامی و افزایش توان نظامی یک کشور را فراهم آورد. اگر نظریه «مکیندر» در مورد تمام کشورها صادق نباشد، در مورد عراق صادق است.

موقعیت جغرافیایی عراق در خلیج فارس از آغاز تأسیس این کشور نقش مهمی در سیاست خارجی آن داشته است. رهران عراق از موقعیت جغرافیایی کشور خود آگاهی کامل داشته و همواره کوشیده اند از آن حداکثر بهره برداری را بنمایند. البته میزان بهره برداری از این موقعیت بستگی به قدرت نظامی عراق، رهبری آن و نظام بین الملل داشته است. در اینجا موقعیت جغرافیایی عراق تحت سه عنوان: بنادر عراق، فقدان عمق استراتژیک و مسأله مرزها مورد بررسی قرار می گیرد. ●

۱- موقعیت بنادر عراق در خلیج فارس: عراق از نظر موقعیت جغرافیایی وضع مطلوبی در خلیج فارس ندارد. عراق دارای سه بندر بنام های بصره، ام القصر و فو در خلیج فارس می باشد. عراق اظهار می دارد که بنادر مذکور به دلایل ذیل قادر به پاسخگویی به نیازهای آن نمی باشد.

الف) بندر بصره در شمال اروندرود و در ۱۲۰ کیلومتری خلیج فارس واقع شده است، بنابراین تنها راه دسترسی عراق به بندر مذکور اروندرود می باشد. عراق ادعا می کرد که با پذیرش خط تالوگ به عنوان مرز ایران و عراق در این رودخانه از اهمیت آن کاسته شده، علاوه بر آن در صورت بروز اختلاف با ایران، امکان بسته شدن این رودخانه وجود دارد. بهمین جهت عراق نمی تواند روی بندر بصره زیاد حساب کند.

ب) بندر ام القصر در کنار خور ام القصر که خوری پر از جزر و مد است، واقع شده است. راه دسترسی به بندر مذکور نیز خور عبدالله و خورشطنه می باشد که آبهای آن میان عراق و کویت مشترک است. به عبارت دیگر جزایر وره و بوبیان کویت مشرف بر بندر ام القصر می باشند. بهمین جهت دولت عراق اظهار می داشت به راحتی نمی تواند به آبهای خلیج فارس دسترسی داشته باشد مگر اینکه دو جزیره وره و بوبیان را تصرف کند.

همچنین راه های دسترسی به بنادر مذکور باریک و نگهداری آن ها بسیار

■ نیروهای مسلح عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ از مرز کویت عبور کرده و این کشور را در مدت چند ساعت به اشغال خود درآوردند. دولت عراق پس از اشغال کویت یک دولت به اصطلاح آزاد در این کشور تشکیل داد، اما پس از چندی آن را منحل و کویت را بطور رسمی در ۸ اوت ۱۹۹۰ ضمیمه خاک خود کرد.

به دنبال این امر تلاش های گسترده ای در سطح بین المللی جهت خروج نیروهای عراقی از کویت و اعاده استقلال و حاکمیت این کشور به عمل آمد، اما به علت بافشاری عراق در ادامه اشغال کویت، تمام این تلاش ها بدون نتیجه به پایان رسید و سرانجام در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ آتش جنگ در خلیج فارس شعله ور گردید.

جنگ با حملات گسترده هوایی نیروهای متحدین علیه عراق آغاز شد و بمدت ۳۷ روز ادامه یافت. در طی این مدت بیش از ۸۰ هزار سورتی پرواز علیه تأسیسات و مراکز نظامی، اقتصادی و خطوط ارتباطی و تدارکاتی عراق صورت گرفت. بمباران های مذکور که با استفاده از تکنولوژی و جنگ افزارهای برتر صورت گرفت، ماشین جنگی عراق را زمین گیر نمود و آسیب های کلی بر آن وارد کرد.

متعاقب بمباران های مذکور نیروهای زمینی متحدین به رهبری آمریکا در ۲۴ فوریه ۱۹۹۱ (۵ اسفند ۱۳۶۹) تهاجم زمینی گسترده خود را علیه نیروهای عراقی آغاز کردند. نبرد زمینی علیرغم پیش بینی های قبلی مبنی بر اینکه طولانی و خونبار خواهد بود، فقط چهار روز به طول انجامید و در ۲۷ فوریه ۱۹۹۱ (۸ اسفند ۱۳۶۹) با آزادی کویت و اشغال بخش هایی از خاک عراق پایان یافت.

اکنون این سئوالات مطرح می گردد که علل اشغال کویت توسط دولت عراق چه بود؟ چرا دولت عراق در ادامه اشغال کویت تا حد انهدام زیربنای اقتصادی دو کشور بافشاری نمود؟ دولت عراق در مورد اشغال کویت از چه سیاستی پیروی می کرد؟ به طور کلی چه عواملی بر سیاست خارجی عراق در ارتباط با اشغال کویت مؤثر بودند؟

سیاست خارجی عراق نسبت به اشغال کویت از عوامل متعددی تأثیر می پذیرفت. برخی از این عوامل ثابت و پایدار هستند و درجه تأثیرشان قطعیت بیشتری دارد که در این مورد می توان از عامل جغرافیا نام برد. برخی از عوامل نیز از ثبات و استمرار کمتری برخوردارند و درجه تأثیر آن ها متغیر می باشد. در این زمینه می توان به عامل اقتصاد و یا نظام بین الملل اشاره نمود.

بنابر این درجه تأثیر و ثبات و استمرار همه عوامل مؤثر بر سیاست خارجی دولت عراق در ارتباط با اشغال کویت یکسان نبود. در اینجا باید به این نکته اشاره نمود که مفاهیم ثابت و متغیر به طور مطلق مورد نظر نیست، بلکه صورت نسبی آنها مورد توجه می باشد.

به هر حال مهمترین عواملی که در شکل گیری و اجرای سیاست خارجی عراق در زمینه اشغال کویت مؤثر بودند، عبارتند از: موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، ایدئولوژی، قدرت نظامی، نقش رهبری، ساختار تصمیم گیری، نظام بین الملل، نهادهای منطقه ای (اتحادیه عرب) و نهادهای بین المللی (شورای امنیت سازمان ملل متحد). هدف این مقاله بررسی میزان و کیفیت

سابقه در روابط بین دو همسایه نیست».^۴

براساس همین استدلال، دولت عراق در آوریل ۱۹۶۹ همزمان با تشدید بحران اروندرود، از کویت درخواست کرد که به نیروهای عراقی اجازه دهد در خاک کویت مستقر شوند تا در صورت حمله احتمالی ایران از ام القصر دفاع کنند. کویت هرچند تمایلی به موافقت به این امر نداشت ولی تحت فشار عراق حاضر به قبول آن شد و به نیروهای عراقی اجازه داد در خاک کویت مستقر شوند. هرچند ایران و عراق در سال ۱۹۷۵ اختلافات خود را حل و فصل نمودند و خطر حمله احتمالی مورد ادعای عراق رفع شد، با اینحال عراقی‌ها حاضر نشدند نیروهای خود را از خاک کویت فراخوانند و این نیروها تا سال ۱۹۷۸ در آنجا حضور داشتند.

در سال ۱۹۸۴ نیز پس از اینکه نیروهای ایران وارد خاک عراق شدند، فشار دولت عراق بر کویت برای واگذاری جزایر مذکور و اجازه استقرار نیروهای نظامی این کشور در جزیره بوبیان تشدید شد. کویت ناگزیر با این امر موافقت کرد و اجازه داد نیروهای عراقی در جزیره بوبیان مستقر شوند و نیروهای نظامی عراق از طریق همین جزیره رزمندگان ایرانی را در شبه جزیره فاو مورد حمله قرار دادند.

بطور کلی در طول جنگ، نیروی دریایی ایران توانست نیروی دریایی عراق را در خور عبدالله محبوس کند و اجازه خروج به آنها ندهد. در نتیجه جنگ تحمیلی، اهمیت استراتژیکی کویت بیش از پیش برای عراق آشکار گشت و به همین جهت روشن بود که عراق بعد از خاتمه جنگ با ایران، کویت را تحت فشار بیشتری قرار خواهد داد.

۳- مرزهای جغرافیایی: مرزهای عراق و کویت نیز در شکل دهی سیاست خارجی عراق نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. این مرزها بطور مکرر عامل ایجاد تنش در روابط دو کشور بوده است. مرزهای عراق با کویت بیش از آنکه ناشی از واقعیت‌های داخلی دو کشور باشد، بازتاب منافع دولت انگلستان بوده است. در تعیین مرزهای بین دو کشور ویژگی‌های جغرافیایی، فیزیکی و فرهنگی در نظر گرفته نشده است. مرزهای عراق و کویت بموجب موافقتنامه‌های ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۳، معاهده آوریل ۱۹۲۳ و توافق‌های سال ۱۹۳۲ مشخص و معین گردیده است، اما این مرزها تا قبل از اشغال کویت روی زمین علامت گذاری نشده بود.

عراقی‌ها به این دلیل که مرزهای موجود بین دو کشور ساخته و پرداخته استعمار است حاضر به علامت گذاری آن نشده بودند و اظهار می‌داشتند که کویت در دوره عثمانی از توابع استان بصره بوده و علیرغم نوساناتی که در روابط کویت با باب عالی وجود داشته، حاکمان کویت همیشه روابط برادرانه خود را با حاکمان عثمانی در عراق حفظ کرده بوده‌اند. با توجه به اینکه علامت گذاری مرزهای دو کشور بطور ضمنی حاکی از شناسایی کویت به عنوان یک کشور مستقل می‌باشد، عراق از اقدام رسمی در این زمینه

برهزینه است. به عنوان مثال استفاده از بندر بصره مستلزم لایروبی مرتب اروندرود می‌باشد، در غیر این صورت این رودخانه از گل ولای انباشته شده و غیر قابل کشتیرانی خواهد شد. علاوه بر آن بنادر مذکور کم عمق می‌باشند و نمی‌توانند کشتی‌های بزرگ را بپذیرند. به عنوان مثال بندر بصره نمی‌تواند کشتی‌هایی با ظرفیت بیش از ۳۰ هزار تن را بپذیرد.

ج) سومین بندر عراق بندر فاو می‌باشد که در دهانه اروندرود واقع شده است. این بندر هم برای کشتیرانی مناسب نمی‌باشد زیرا سواحل دو طرف آن باتلاقی و رسوبی است. به همین جهت عراق ناگزیر بوده که اسکله‌های شناور به صورت جزایر مصنوعی در فاصله نزدیکی با این بندر احداث کند. در این مورد می‌توان از اسکله‌های البکر و الامیه نام برد.

عراق همچنین به علت کمی طول ساحل، موقعیت خوبی برای ایجاد بنادر جدید ندارد. طول سواحل عراق در خلیج فارس حدود ۵۵ کیلومتر می‌باشد. در میان ۸ کشور ساحلی خلیج فارس کمترین طول ساحل متعلق به عراق است. علاوه بر آن سواحل عراق به استثنای خور عبدالله دارای آب عمیق نبوده و برای ایجاد بندر مناسب نیست. خور عبدالله به علت عمق زیاد نیاز به حفاری ندارد. علاوه بر آن به خطوط راه‌آهن عراق نیز نزدیک می‌باشد و به همین جهت مناسب‌تر از سواحل کویت برای ایجاد بندر است. اما از نظر عراق مشکل همچنان باقی است زیرا همانطور که گفته شد آب‌های خور عبدالله با کویت مشترک می‌باشد، اما در واقع علت اصلی عدم تمایل عراق به ایجاد بندر در این منطقه این است که در اینصورت بهانه عراق برای اعمال فشار به کویت از میان می‌رود.

از طرف دیگر، سواحل کویت در خلیج فارس ۴ برابر سواحل عراق می‌باشد. علاوه بر آن سواحل کویت دارای آب عمیق است. بنابراین با اشغال کویت یا حداقل تصرف جزایر ور به و بوبیان، بر طول سواحل عراق در خلیج فارس به نحو چشم‌گیری افزوده می‌شود و در این صورت عراق می‌توانست صاحب بنادر متعدد با آب عمیق در خلیج فارس شود.

تسلط بر جزایر مذکور و یا تمام کویت همچنین این امکان را به عراق می‌داد که یک نیروی دریایی قدرتمند در خلیج فارس بوجود آورد و نقش مهمتری در این منطقه برعهده گیرد.

۲- فقدان عمق استراتژیکی: دولت عراق بارها اظهار داشته که به علت وسعت کم، فاقد عمق استراتژیکی می‌باشد و نمی‌تواند در برابر حملات خارجی از خود دفاع نماید، به همین دلیل در گذشته همیشه کویت را برای واگذاری جزایر ور به و بوبیان به عراق تحت فشار قرار داده بود. عراق ادعا می‌کرد که تصرف این دو جزیره آن کشور را قادر می‌سازد در مقابل تهدیدات خارجی از خود و کویت دفاع کند. سعدون حمادی وزیر امور خارجه پیشین عراق در مورد درخواست کشور متبوعش برای واگذاری دو جزیره مذکور اظهار داشته است: «از نظر نیازهای امنیتی عراق، این یک درخواست معقول است و امری بدون





خودداری می نمود و حتی در برخی سالها اعتبار موافقتنامه های مرزی منعقدہ بین دو کشور را زیر سؤال می برد.

علاوه بر آن عراق بارها تلاش نموده بود با توسل به زور این مرزهای مصنوعی را از میان بردارد. در این مورد می توان به تجاوزات عراق به کویت در مارس ۱۹۷۳، سپتامبر ۱۹۷۶ و اوائل سال ۱۹۷۷ اشاره نمود. اشغال کویت نیز در اوت ۱۹۹۰ در این راستا صورت گرفت. طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در توجیه اشغال کویت و الحاق آن به عراق در ۱۵ اوت ۱۹۹۰ اظهار داشت «عراق حق داشت به کویت حمله کند، چون کویت تا سال ۱۹۱۳ بخشی از عراق بوده و این انگلیسی ها بودند که این سرزمین را از عراق جدا کردند و یک رژیم ساختگی به دست مشتکی شیوخ و رشکسته در آنجا بوجود آوردند.»^۵ صدام حسین رئیس جمهور عراق نیز تجاوز این کشور را به کویت عملی که به تقسیمات استعماری پایان می دهد، دانست.^۶

منابع طبیعی

عامل نسبتاً ثابت دیگری که بر سیاست خارجی عراق نسبت به کویت تاثیر گذارده، وجود منابع طبیعی است. منابع طبیعی غالباً یکی از عوامل تشکیل دهنده قدرت کشورها تلقی می شود. اما صرف وجود منابع طبیعی بیانگر قدرت یک کشور نیست بلکه حتی در مواردی ممکن است بر سیاست خارجی یک کشور اثر منفی بگذارد. به عنوان مثال، وجود ذخایر عظیم نفت در عراق موجب قدرت یابی این کشور شده است، کویت نیز دارای ذخایر عظیم نفت است ولی وجود این ذخایر نه تنها موجب قدرت آن نشده بلکه سبب گردیده عراق یا سایر کشورها همیشه چشم طمع به این کشور داشته باشند. مساله نفت به دو صورت بر سیاست خارجی عراق نسبت به کویت تاثیر گذاشته: یکی صادرات نفت عراق و دیگری وجود ذخایر سرشار نفت در کویت.

۱- صادرات نفت: رهبران عراق همواره ادعا کرده اند که راه های قابل اطمینانی برای صادرات نفت خود ندارند. بهمین دلیل همواره کویت را تحت فشار گذاشته اند که قسمتی از سرزمین خود را برای ایجاد یک ترمینال یا بندر نفتی در اختیار آن ها قرار دهد.

در سالهای اخیر دو مساله موجب تشدید فشار عراق بر کویت در این مورد شده است. یکی افزایش تولید و صادرات نفت عراق از حوزه رومیله واقع در جنوب عراق و دیگری اختلافات این کشور با سوریه در مورد خط لوله ای که نفت عراق را از طریق خاک سوریه به دریای مدیترانه منتقل می کند. این خط لوله تاکنون چندین بار به علت اختلافات اقتصادی (حق ترانزیت) و سیاسی بین دو کشور قطع شده است.^۷

مسائل مذکور موجب شد که عراق درصدد یافتن گذرگاه های جدیدی برای صادرات نفت خود برآید. عراق در نظر داشت راه های صدور نفت را متعدد نموده و کنترل آن را خود برعهده داشته باشد. عراق برای رسیدن به این هدف در سال ۱۹۷۴ بطور رسمی از کویت درخواست نمود:

(الف) - اجازه دهد بندری در خاک این کشور احداث نماید.

(ب) یک خط لوله نفت جهت انتقال نفت عراق به این بندر در خاک کویت ایجاد کند. عراق معتقد بود در صورت موافقت کویت با درخواست های مذکور وابستگی عراق به خط لوله ای که از طریق خاک سوریه، نفت عراق را به دریای مدیترانه منتقل می کند، کاسته خواهد شد. در مقابل کویت موافق بود که اجازه عبور یک خط لوله نفت را از خاک خود به یک ترمینال ساحلی بدهد، اما با ایجاد یک ترمینال یا بندر نفتی توسط عراق در خاک خود موافقت نداشت. در مذاکرات جده در ژوئیه ۱۹۹۰ عراق بار دیگر درخواست خود را در این مورد تکرار کرد، اما این بار نیز چون با مخالفت دولت کویت روبرو شد، درصدد اشغال تمام خاک کویت و الحاق آن به عراق برآمد.

۲- وجود ذخایر سرشار نفت در کویت: کشف و استخراج نفت در کویت نیز بر سیاست خارجی عراق نسبت به این کشور تاثیر گذارده است. افزایش چشم گیر تولید نفت و درآمد کویت از این بابت همواره چشم رهبران عراق را خیره کرده و موجب حسادت آنها شده است. نوری سعید، عبدالکریم قاسم و صدام حسین هرگز نتوانستند از این امر چشم پوشی نمایند. نوری سعید نخست

وزیر عراق پس از تشکیل اتحادیه عراق و اردن در ۱۴ فوریه ۱۹۵۸ تلاشهای زیادی را به عمل آورد تا کویت را نیز به این اتحادیه ملحق کند زیرا اردن فاقد ثروت طبیعی بود و درآمدهای نفتی کویت می توانست به پیشبرد برنامه های اقتصادی اتحادیه کمک نماید. یکی از انگیزه های اصلی عبدالکریم قاسم نیز برای الحاق کویت به عراق وجود ذخایر عظیم نفت در این کشور بود. تولید نفت کویت در آن زمان بیش از دو برابر تولید عراق بود.

اشغال کویت توسط دولت عراق نیز با طرح اختلافات دو کشور در مورد مساله نفت شروع شد. عراق در ژوئیه ۱۹۹۰ ادعا نمود حوزه نفتی رومیله که در خاک کویت قرار دارد، متعلق به عراق است و کویت را متهم کرد که نفت این منطقه را به سرقت برده و خواستار پرداخت ۲/۴ میلیارد دلار غرامت گردید. عراق همچنین کویت را متهم کرد که با افزایش تولید نفت سبب کاهش بهای نفت شده و حدود ۱۴ میلیارد دلار خسارت به این کشور وارد کرده است. این مبلغ تقریباً برابر وام هایی بود که کویت در طول جنگ عراق با ایران به این کشور پرداخت کرده بود. عراق به این ترتیب در نظر داشت کویت را ناگزیر سازد از وام های مذکور چشم پوشی کرده و حوزه نفتی مذکور را به عراق واگذار نماید.

بطور کلی کویت دارای ۱۰ درصد ذخایر شناخته شده نفت در جهان است. بنابراین عراق با تصرف کویت بر ۲۰ درصد از ذخایر نفت جهان تسلط می یافت. تولید نفت کویت در سال ۱۹۸۹، بیش از ۱/۶ میلیون بشکه در روز بود که با احتساب تولید نفت عراق جمعاً به ۴/۵ میلیون بشکه در روز می رسید.^۸ این امر درآمدهای عراق را به گونه چشمگیری افزایش می داد و عراق را قادر می ساخت تا در امور بین المللی نقش مهمتری ایفا کند.

ایدئولوژی

ایدئولوژی حزب بعث نیز بر سیاست خارجی عراق نسبت به کویت تاثیر گذاشته است. با بقدرت رسیدن حزب بعث در ۱۹۶۸ ادعاهای عراق نسبت به کویت با شدت بیشتری از سر گرفته شد. ایدئولوژی حزب بعث بر محور سه کلمه وحدت، آزادی و سوسیالیسم قرار دارد. وحدت به این مفهوم است که اعراب باید تحت لوای یک حکومت قرار گیرند، و آنهم حکومت حزب بعث است. در اندیشه میشل عفلق بنیانگذار حزب بعث، انعکاسی از اندیشه «هردر» مبنی بر اینکه هر ملت رسالت ویژه ای دارد که باید آن را به انجام برساند، دیده می شود. در اساسنامه حزب بعث آمده است که هر ملت رسالتی دارد که به اتکای همان رسالت به احیا و تکامل ارزش های خویش می پردازد. ملت عرب نیز دارای همین رسالت می باشد. بنابراین شعار اصلی حزب بعث «امه عربیه واحده ذات رساله خالده» یعنی «یک ملت عرب با یک مأموریت ابدی» است.

ایدئولوژی بعث بر این مبنا استوار است که اعراب با وجود تقسیم شدن به کشورهای مختلف، همیشه ملت واحدی را تشکیل می داده اند و حال نیز باید مرزهای بین کشورهای عربی از میان برداشته شود و اعراب بار دیگر ملت واحدی را تشکیل دهند. به نظر عفلق این رسالت تنها زیر پرچم حزب بعث امکان پذیر است. هدف حزب بعث از رسالت تاریخی احیاء مجد و عظمت

سیاسی تحصیل نمایند، باید از نظر نظامی قوی باشید و اگر می‌خواهید منافع ملی را از راه مذاکره به دست آورید باز هم باید از نظر نظامی قوی باشید.» عراق در مورد الحاق کویت به خاک خود در زمان‌هایی که از نظر نظامی احساس ضعف و ناتوانی می‌کرد، از روش‌های مسالمت‌آمیز استفاده می‌نمود و در سال‌هایی که احساس قدرت می‌کرد، به تجاوز متوسل می‌شد. عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۶۱ اعلام نمود که برای الحاق کویت به عراق از نیروی نظامی استفاده خواهد کرد. در واقع برخی از مشاورین وی توصیه کرده بودند که با استفاده از نیروی نظامی به طور ناگهانی کویت را اشغال نماید اما او بعداً با بررسی ابعاد مختلف مساله به این نتیجه رسیده بود که کاربرد نیروی نظامی نه تنها نتیجه مطلوب را عاید نخواهد کرد، بلکه منجر به شکست خواهد شد. بهمین جهت اعلام نمود که برای الحاق کویت به عراق از روش‌های مسالمت‌آمیز استفاده خواهد نمود.

صدام حسین نیز در سال‌هایی که از نظر نظامی احساس ضعف می‌کرد بیشتر به روش‌های مسالمت‌آمیز متوسل می‌شد. به عنوان مثال وی در سال ۱۹۶۹ به علت ضعف نظامی نتوانست تهدید خود را مبنی بر اعمال حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود عملی نماید و چند سال بعد حاضر به انعقاد عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ با ایران گردید. صدام حسین همچنین در طی سالهای مذکور بیشتر از روش‌های تهدید و فشار برای وادار کردن کویت به تسلیم در برابر درخواست‌های خود استفاده می‌کرد. اما وی وقتی در سال ۱۹۸۰ احساس نمود از نظر نظامی قدرتمند می‌باشد، تجاوز خود را به ایران آغاز نمود. تجاوز به کویت نیز در دوم اوت ۱۹۹۰ بدون پشتوانه عظیمی از سلاح‌های شیمیایی، میکروبی، موشک‌های بالستیک و سایر تجهیزات نظامی پیشرفته نمی‌توانست صورت گیرد.

«مورگانا» معتقد است که قدرت نظامی هر کشور از سه پدیده زیر ناشی می‌گردد:

- تکنولوژی نظامی
- کیفیت و کمیت نیروهای مسلح
- رهبری نظامی

در مورد اول باید اشاره نمود که عراق در طی سالهای اخیر موفق شده بود بزرگترین مجتمع‌های نظامی-صنعتی را در خاورمیانه ایجاد کند. دولت‌های غربی نیز با انتقال تکنولوژی نظامی، این کشور را قادر ساخته بودند انواع سلاح‌های شیمیایی و موشک‌های بالستیک را تولید نماید. علاوه بر آن عراق در طی سالهای ۸۵-۱۹۸۳ بیش از ۸۴ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات نظامی خریداری کرده بود که ۴۲ میلیارد آن از شوروی و ۱۶/۵ میلیارد دلار آن از فرانسه بود.^{۱۱}

از نظر کمیت نیروهای نظامی، عراق دارای چهارمین ارتش جهان بود و تعداد نیروهای مسلح آن کشور به ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بالغ می‌شد. ارتش عراق دارای ۶۰۰ هواپیما و ۶۰۰۰ تانک بود. از نظر کیفیت، این ارتش در طی

اعراب در دوره امویان و عباسیان است. در واقع قلب تنده ایدئولوژی حزب بعث در همین جا است. در اینجا است که می‌توان علت اساسی سیاست‌های توسعه طلبانه و تجاوزکارانه حزب بعث عراق را درک کرد.

در راستای همین سیاست‌های توسعه طلبانه است که عراق ادعای حاکمیت مطلق بر اروندرود، خوزستان ایران و کویت را می‌نماید. عراقی‌ها کویت را استان نوزدهم عراق و کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس را «امارات ماوراء کویت» می‌نامند.

از طرف دیگر ایجاد يك امپراتوری واحد عربی بدون توسل به زور و تجاوز امکان‌پذیر نیست. بهمین جهت اساسنامه حزب بعث عراق، مبارزه و جنگ را برای تغییر اوضاع نامناسب در جهان عرب را اجازه می‌دهد. مبارزه طلبی، توسل به زور و خشونت و ایجاد ترور و وحشت از خصوصیات بارز حزب بعث عراق است. میشل عفلق در تشریح بخش مربوط به ماموریت جاودانه عرب، به مبارزه با خطرات بزرگ، جنگیدن و رفع موانع اشاره کرده و تاکید می‌کند که مبارزه تا نجات ملت بزرگ عرب در همه جا خواهد بود و سپس چنین ادامه می‌دهد:

«در هر کجا که ملت عرب به کشورهای مختلف تجزیه یا بدون سرزمین شده و یا موجبات ایجاد يك کشور مصنوعی و ساختگی فراهم گردیده است، می‌بایست مبارزه تا اتصال این قطعات به یکدیگر و تشکیل و تاسیس امپراتوری يك پارچه و طبیعی عرب ادامه یابد.»

در اجرای همین سیاست، عراق به ایران و کویت تجاوز نمود. عراقی‌ها همچنین بارها به اردن و عربستان سعودی تجاوز کرده و قسمت‌هایی از این سرزمین‌ها را به تصرف درآوردند.^۹

ادعای صدام برای رهبری جهان عرب را نیز در چارچوب همین سیاست حزب بعث می‌توان توجیه و تفسیر نمود. یکی از آرزوهای دیرینه صدام حسین به دست گرفتن رهبری جهان عرب بوده است. تا قبل از اشغال کویت جهان عرب دارای سه مرکز قدرت بود: مصر با قدرت سیاسی و جمعیت زیاد، عربستان با قدرت مالی فراوان و بالاخره عراق با قدرت نظامی. صدام حسین از چندی پیش متقاعد شده بود که از طریق نظامی می‌توان قدرت مالی و سیاسی را در منطقه تحت‌الشعاع قرار داد. تجاوز عراق به ایران و کویت در همین راستا صورت گرفت. اگر عراق در اشغال کویت موفق می‌گردید، رهبر بلامنازع جهان عرب می‌شد.

قدرت نظامی:

عامل دیگری که هم در شکل‌گیری و هم در اجرا یا عدم اجرای سیاست خارجی عراق نقش مهمی ایفا کرده، قدرت نظامی است. در باره اهمیت قدرت نظامی باید اشاره نمود که مانوتسه تونگ بنیانگذار جمهوری خلق چین، قدرت سیاسی را ناشی از قدرت نظامی می‌دانست و معتقد بود که «قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید»^{۱۰} هیتلر نیز عقیده داشت: «اگر می‌خواهید منافع



۸ سال جنگ با ایران تجارب بسیار آموخته و کارآموده و مجرب شده بود. با تکیه بر همین عوامل بود که دولت عراق نسبت به اشغال و الحاق کویت به خاک خود بافشاری می نمود.

نقش رهبری

عواملی که در پیش گفته شد، نمی‌توانند خودبخود و بدون تاثیر اراده انسانی عمل کنند و نتایج مطلوبی به بار آورند. درست است که این عوامل حوزه ابتکار و عمل، یا به عبارت دیگر، عرصه مانور تصمیم‌گیری را تعیین می‌کنند، اما به کار انداختن و استفاده و استنتاج از آن‌ها برعهده رهبری است. خصوصیات فکری، اعتقادی، اخلاقی، روانی و اجتماعی رهبر یا گروه رهبری و نیز برداشت‌ها و تصورات، سوابق ذهنی، روش تصمیم‌گیری، درجه خلاقیت، صبر و میزان اعتماد به نفس آنها اثر غیرقابل انکار بر نگرش‌ها و تصمیم‌گیریها در زمینه سیاست خارجی دارد.

در مورد خصوصیات و شخصیت صدام حسین زیاد سخن رفته است. گفته می‌شود که او فردی است تشنه قدرت، مبتلا به بیماری جنون عظمت، دیکتاتوری خونخوار، بی‌اعتنا به عهد و پیمان، توسعه طلب و بالاخره جنگ افروز. مخالفین، او را با هیتلر و موسولینی، و طرفدارانش او را با بیسمارک صدراعظم سابق آلمان مقایسه کرده و وی را بیسمارک جهان عرب می‌دانند که می‌خواهد ملت واحد عرب را بوجود آورد.

«ژان باتیست دوروزل» رهبران سیاسی را به دو گروه جنگ طلب و صلح طلب تقسیم می‌کند.^{۱۲} براساس این تقسیم‌بندی، صدام حسین در گروه اول قرار می‌گیرد. در میان رهبران معاصر جهان عرب صدام حسین تنها فردی است که تمایلات شدید نظامی دارد. جمال عبدالناصر ۵ سال پس از انقلاب افسران آزاد در مصر (۱۹۵۲) یونیفرم نظامی خود را از تن درآورد، در حالیکه صدام همچنان یونیفرم نظامی برتن دارد. در سخنان صدام حسین کلماتی مانند جنگ، تجاوز، نبرد، بسیج، تاکتیک، استراتژی و... زیاد دیده می‌شود. مهمترین مساله‌ای که برای صدام حسین مطرح است، عبارت از جنگیدن با دشمنان و از بین بردن توان نظامی آنهاست. صدام حسین معتقد است خطراتی که عراق را تهدید می‌کند، به نحوی است که اتخاذ یک استراتژی صرفاً دفاعی را غیرممکن می‌سازد. به نظری عراق به علت وسعت کم و فقدان عمق استراتژیک ناگزیر از اتخاذ سیاست‌های تهاجمی می‌باشد.

یکی از استراتژی‌های موردتوجه صدام حسین، عقب نشینی تاکتیکی یا مصالحه است. هر زمان که صدام حسین احساس کرده امنیت و ثبات رژیم وی درخطر است، ۱۸۰ درجه در سیاست‌های خود چرخش نموده و خواستار مصالحه شده است. در این مورد می‌توان از مصالحه وی با ایران در سال ۱۹۷۵ یاد کرد، یا از صلح خواهی وی بعد از اینکه جریان جنگ تحمیلی به زیان عراق تغییر یافت و بالاخره قبول عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ توسط وی در سال ۱۹۹۰.

ساختار تصمیم‌گیری:

برای شناخت بهتر سیاست خارجی عراق باید اشاره‌ای هم به ساختار قدرت و نحوه تصمیم‌گیری در این کشور نمود. منظور از ساختار تصمیم‌گیری، سلسله مراتب تصمیم‌گیری و نهادهای تصمیم‌گیرنده از قبیل رئیس‌جمهور، مجلس ملی و دیگر نهادهای دولتی است. روشن بودن جایگاه نهادهای مذکور در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند موجب افزایش کارایی و بازدهی سیاست خارجی گردد.

صدام حسین از سال ۱۹۸۸ شروع به ایجاد تغییرات مهمی در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری عراق کرده بود. این تغییرات عبارت بودند از:

۱- هیئت دولت: طی سال‌های ۸۹-۱۹۸۸ تعداد زیادی از وزیران تغییر یافتند و جای آنها را افرادی گرفتند که اکثراً وابسته به خانواده رئیس‌جمهور بودند.^{۱۳} هیئت دولت به این ترتیب به مجموعه‌ای از فن‌سالارانی تبدیل شد که تمایلات و خواسته‌های رئیس‌جمهور را اجرا می‌کردند.

۲- دفتر ریاست جمهوری: دفتر ریاست جمهوری به بهای تضعیف قدرت و نفوذ حزب بعث، قدرت بیشتری یافت. اعضای این دفتر را وابستگان درجه اول رئیس‌جمهور تشکیل می‌دهند. خانواده رئیس‌جمهور در سال‌های اخیر نفوذ بیشتری در مقابل کاهش نفوذ قبایل و طوایف منطقه تکریت کسب کرده‌اند. ۳- مجلس ملی: انتخابات جدید مجلس ملی در سال ۱۹۸۹ برگزار شد. علیرغم تبلیغات دولت مبنی بر مردمی بودن این مجلس، باید گفت که با توجه به جو سیاسی در عراق و شرایطی که تحت آن انتخابات برگزار شد، این مجلس به هیچ وجه از مجالس قبلی مردمی‌تر نبود. این مجلس نیز مانند مجالس قبلی مجری امیال و هوس‌های رئیس‌جمهور بود.

۴- شورای فرماندهی انقلاب: این شورا مرکب از اعضای قدیمی حزب بعث عراق می‌باشد. این شورا در حال حاضر تضعیف گردیده و حتی اخیراً بی‌بانی‌ای از سوی دفتر ریاست‌جمهور صادر شده مبنی بر اینکه شورای فرماندهی انقلاب منحل خواهد شد. به این ترتیب تنها هیئت وزیران و مجلس ملی به عنوان خدمتگزاران و حامیان رئیس‌جمهور باقی خواهند ماند.

به طور کلی تغییرات مذکور منجر به برقراری سلطه بی‌چون و چرای صدام حسین بر امور کشور و تمرکز قدرت در دست‌های او شده بود. نزدیکان وی پست‌های حساس دولتی و امنیتی کشور را در دست داشتند و تمام تصمیمات توسط شخص صدام حسین گرفته می‌شد. مخالفین به شدت سرکوب شده و نیروهای امنیتی سایه ترسناک خود را بر همه جا گسترده بودند. در تجزیه و تحلیل نهایی، نیروهای امنیتی تضمین‌کنندگان بقای حکومت و در نتیجه بزرگترین منشاء تهدید آن نیز می‌باشند.

نظام بین‌الملل:

عامل دیگری که بر سیاست خارجی عراق تاثیر گذارده، نظام بین‌الملل است. نظام بین‌الملل در حال حاضر از شکل دو قطبی به چند قطبی تغییر یافته است. مجریان سیاست خارجی یا بازیگران صحنه بین‌المللی باید شناخت عینی و دقیقی از نظام بین‌المللی داشته باشند. البته نمی‌توان گفت که صدام حسین در تجاوز خود به کویت به این مساله وقوف نداشته است.

وی اغلب در سخنان خود به مراکز جدید قدرت در جهان که جایگزین نظام دو قطبی گردیده‌اند اشاره کرده است. وی در سال ۱۹۷۵ اظهار داشت که جهان تا سال ۱۹۹۵ از سیستم دو قطبی خارج خواهد شد. وی در مورد قدرت‌های جدید از ژاپن و چین طی ۱۰ الی ۲۰ سال گذشته و از اروپای متحد در طی سال‌های آینده نام برده است. وی معتقد بود عراق در چنین سیستمی قدرت بیشتری برای مانور به دست می‌آورد و صریحاً اظهار داشته بود که عراق می‌تواند از این ترکیب قدرت برای رسیدن به «وحدت عربی» استفاده کند.^{۱۴} البته در این مورد که نظام فعلی جهان از دو قطبی به چند قطبی تغییر یافته، می‌توان با صدام حسین موافق بود. اما در مورد اینکه عراق در چنین سیستمی قدرت بیشتری برای مانور بدست می‌آورد باید گفت تصور وی نادرست بوده است. شاید مهمترین عاملی که صدام حسین در تجاوز به کویت و الحاق آن به عراق در نظر نگرفت، همین بوده باشد.

در واقع حمایتی که قدرت‌های بزرگ از صدام حسین در تجاوزش به ایران به عمل آوردند، این تصور را برای وی بوجود آورد که در تجاوز به کویت با مشکلی جدی مواجه نخواهد شد. در حالیکه نظام بین‌المللی اوائل دهه ۱۹۸۰ که عراق تجاوز خود را به ایران آغاز کرد، با نظام بین‌المللی اوائل دهه ۱۹۹۰ به کلی متفاوت است. در نظام بین‌المللی فعلی «سیاست تقابل» جای خود را به «سیاست همکاری و تفاهم» داده است. به همین دلیل هم قدرت مانور عراق محدود گردید. به عنوان مثال شوروی که یکی از متحدان سنتی عراق و تامین‌کننده اصلی تجهیزات نظامی برای این کشور بود، از ابتدای اشغال کویت، سیاست خود را بر این مبنا قرار داد که تحولات بحران هرچه باشد، برای همکاری‌های جدید این کشور با غرب خطری ایجاد نکند. به عبارت دیگر شوروی سیاست تفاهم با غرب را بر روابط خود با عراق ترجیح داد. فرانسه نیز که یکی دیگر از حامیان عراق در جنگ با ایران بود و دومین تامین‌کننده جنگ افزار برای آن کشور به شمار می‌رفت، سیاست خود را در قبال اشغال کویت، با

کردند و از شورا خواستند تشکیل جلسه داده و تهدید جدی عراق را نسبت به تمامیت ارضی آن کشور مورد رسیدگی قرار دهد. متعاقب آن، شورای امنیت تشکیل جلسه داد و اقدام عراق را نکوهش نمود. البته شورا قطعنامه یا اعلامیه‌ای صادر نکرد زیرا بریتانیا خواستار اتخاذ تصمیمات رسمی توسط شورا نشده بود بلکه صرفاً میخواست افکار عمومی را روشن سازد. از طرف دیگر امکان داشت که قطعنامه با وتوی شوروی روبرو شود. در این زمان شوروی روابط حسنه‌ای با دولت عراق داشت و بهمین جهت حتی درخواست عضویت کویت را در سازمان ملل متحد وتو نمود.

ولی شورای امنیت شدیدترین واکنش‌ها را پس از اشغال و الحاق کویت به عراق نشان داد، به نحوی که این امر در تاریخ سازمان ملل بی سابقه بود. شورای امنیت چندساعت بعد از اشغال کویت تشکیل جلسه داد، تجاوز عراق را محکوم کرد و خواستار خروج بی قید و شرط نیروهای عراقی از کویت شد و در مدت چند ماه پس از اشغال کویت، ۱۲ قطعنامه صادر کرد. صدور این تعداد قطعنامه در یک مدت زمانی کوتاه تاکنون علیه هیچ کشوری حتی طرح نشده چه رسد به اینکه تصویب شود. در یکی از این قطعنامه‌ها از کلیه کشورهای عضو خواسته شد عراق را مورد تحریم اقتصادی و تسلیحاتی قرار دهند.

شورای امنیت در قطعنامه ۶۷۸ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ نیز ضمن دادن اولتیماتوم به عراق برای خروج نیروهایش از خاک کویت تا ۱۵ ژانویه، اجازه استفاده از نیروی نظامی برای بیرون راندن عراقی‌ها را از کویت صادر نمود.



آمریکا هم آهنگ نمود. بطور کلی تمام قدرت‌های بزرگ تجاوز عراق به کویت و الحاق این کشور به عراق را محکوم کردند و خواستار خروج نیروهای عراقی از کویت و اعاده استقلال و حاکمیت این کشور شدند. تاکنون چنین اتفاق آرابی در نظام بین‌المللی وجود نداشته است.

نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی:

نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در تنظیم سیاست‌ها و خط مشی‌های دولت‌ها موثر هستند. از جمله نهادهایی که در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری عراق موثر بودند، می‌توان به اتحادیه عرب و سازمان ملل متحد اشاره نمود. □ اتحادیه عرب: اتحادیه عرب تاکنون دوبار به طور جدی در اختلافات عراق و کویت مداخله کرده است. بار اول به هنگام ادعای عبدالکریم قاسم نسبت به کویت در سال ۱۹۶۱ بود. در ژوئیه آن سال اتحادیه عرب بمنظور بررسی تهدید عراق نسبت به کویت تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت در مقابل تهدید عراق، از استقلال و تمامیت ارضی کویت دفاع کند. متعاقب آن حدود ۳ هزار نفر از نیروهای اتحادیه متشکل از نیروهای کشورهای عربستان سعودی، مصر، سوریه و اردن وارد کویت شدند. ورود این نیروها و واکنش شدید کشورهای عربی، عبدالکریم قاسم را از تجاوز به کویت باز داشت. او قبلاً اعلام کرده بود که برای الحاق کویت به عراق از نیروی نظامی استفاده خواهد نمود اما پس از این مساله اظهار داشت که برای تحصیل حقوق عراق از طرق مسالمت‌آمیز اقدام خواهد کرد.

بعد از اشغال کویت در دوم اوت ۱۹۹۰ نیز بلافاصله شورای وزیران اتحادیه عرب طی نشست اشغال کویت را محکوم کرد و خواستار خروج نیروهای عراقی از خاک کویت و اعاده استقلال این کشور شد. همچنین در نشست سران اتحادیه عرب در ۱۰ اوت، تجاوز عراق به کویت و الحاق آن به عراق و آثار ناشی از آن محکوم شناخته شد و مجدداً بر حاکمیت استقلال و تمامیت ارضی این کشور تاکید گردید و از عراق خواسته شد هرچه سریع‌تر نیروهای خود را از خاک کویت فرا خواند. در نشست مذکور، با درخواست عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مبنی بر اعزام نیروهای عرب جهت دفاع از آن‌ها موافقت گردید. بدنبال آن نیروهای نظامی مصر، سوریه و مراکش وارد عربستان سعودی و امارات متحده عربی شدند. به طور کلی تمام کشورهای عضو اتحادیه عرب اشغال کویت و الحاق آنرا به عراق محکوم کردند و تنها اختلافی که بین کشورهای عضو بروز کرد، در مورد اعزام نیرو به عربستان و دعوت از نیروهای خارجی برای حضور در منطقه بود. □ شورای امنیت سازمان ملل متحد: شورای امنیت سازمان ملل متحد یکبار در سال ۱۹۶۱ و بار دیگر پس از اشغال و الحاق کویت به عراق در اوت ۱۹۹۰ در این مساله دخالت کرد.

در سال ۱۹۶۱ کویت و بریتانیا به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت

زیر نویس‌ها

1 - Halford Mackinder

2 - Haushofer

3 - H; Mergenthau; Politics Among Naties; (New York: Alfred A; knopf; 1967) pp. 106 - 7

۴ - اصغر جعفری ولدانی، «ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت» مجله سیاست خارجی سال چهارم، شماره ۳، پائیز ۱۳۶۹، ص ۳۵۸

۵ - اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۶۹

۶ - کیهان، ۱۷ مرداد ۱۳۶۹

۷ - این خط لوله که حوزه‌های نفتی کرکوک عراق را از طریق سوریه به دریای مدیترانه وصل می‌کند تاکنون ۴ مرتبه مسدود شده است. در سالهای ۱۹۵۶، ۱۹۶۶،

۱۹۷۶ به علت اختلاف در مورد حق ترانزیت عبور نفت، این خط لوله مسدود گردید. در سال ۱۹۸۲ نیز به دنبال تیره شدن روابط سوریه و عراق، این خط لوله مسدود شد.

بسته شدن خط لوله مذکور بعد از امضای قراردادی میان ایران و سوریه، جهت دریافت روزانه ۱۸۰ هزار بشکه نفت خام از ایران، صورت گرفت.

8 - B P Statistical Review of World Energy; June 1990

۹ - اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷) ص ۳-۳۳

10- Political Power Grows out of The Barrel of a Gun.

۱۱ - نیوزویک، به نقل از رسالت، ۲۷ مرداد ۱۳۶۹

۱۲ - پیرنون، ژان باتیست دوروزل، «مبانی و مقدمات تاریخ روابط بین‌الملل»، ترجمه احمد میرفندرسکی (تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۵۴) ص ۲۹۶

۱۳ - به عنوان مثال حسین کمال داماد رئیس جمهور در سال ۱۹۸۹ به وزارت صنایع منصوب شد، همچنین در ژوئن ۱۹۸۹ علی حسن المجید پسر دایی صدام حسین به عنوان وزیر دولت محلی منصوب گردید.

۱۴ - اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق با کویت (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹)

